



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: قبله

در مورد بحث دیروز سولاتی مطرح شده من جمله اینکه آیا حد مقام ابراهیم نیز مانند کعبه تا آسمان است یا نه؟ دیروز روایاتی در مورد کعبه داشتیم که تا فراز آسمانها و اعماق زمین همگی کعبه است و مورد استقبال قرار می گیرد اما درباره مقام ابراهیم روایتی نداریم که مانند کعبه باشد لذا مهم خود کعبه می باشد، بعدا پرسیده شده اگر حد کعبه به صورتی باشد که عرض شد طواف در طبقه دوم و سوم به چه صورت می باشد؟ ما عرض کردیم که جایز نیست چون در روایات گفته شده طواف باید دور آن بناء فعلی که خانعه کعبه نامیده می شود انجام شود درحالی که در طبقات دوم و سوم دیگر دور کعبه نمی چرخیم بلکه بالاتر از آن می چرخیم لذا طواف در طبقات دوم و سوم که بلند تر از خانه کعبه هستند مشکل است و جایز نیست.

خب و اما بحثمان در قبله بود و کلام صاحب عروه را خواندیم و مقداری از مطالبی که لازم بود را عرض کردیم و توضیح دادیم تا رسیدیم به این مطلب که ایشان فرمود: «ولا يعتبر اتصال الخط من موقف كل مصل بها (کعبه)، بل المحاذاة العرفية كافية، غاية الأمر أن المحاذاة تتسع مع البعد، وكلما ازداد بعدا ازدادت سعة المحاذاة، كما يعلم ذلك بملاحظة الأجرام البعيدة كالأنجم ونحوها، فلا يقدح زيادة عرض الصف المستطيل عن الكعبة في صدق محاذاتها، كما نشاهد ذلك بالنسبة إلى الأجرام البعيدة، والقول

بأن القبلة للبعيد سمت الكعبة وجهتها راجع في الحقيقة إلى ما ذكرنا، وإن كان مرادهم الجهة العرفية المسامحية فلا وجه له.^۱

در واقع صحبت در روبرو بودن است و دو مطلب مهم در اینجا وجود دارد؛ اول اینکه سطح زمین کروی است و مردم در نقاط مختلف زمین چگونه می توانند کعبه را به عنوان قبله و روبروی خود پیدا کنند که این را بعدا خواهیم خواند.

دوم اینکه بعد از شناختن کعبه به عنوان قبله معنای به طرف آن نماز خواندن و استقبال کعبه چیست؟ که صاحب عروه وارد همین بحث شده و فرموده: "ولا يعتبر اتصال الخط من موقف كل مصل بها، بل المحاذاة العرفية كافية"، بر خلاف آیت الله بروجردی که می فرماید چنین اتصالی باید وجود داشته باشد و ایشان فرموده اجسام نسبت به ما سه حالت دارند؛ مسطح (صاف) و محدب (دارای برجستگی) و مقعر (دارای فرو رفتگی) حالا اگر خط از جسم مسطح خارج شود مستقیما می رسد به جایی که مورد نظر ماست و در این صورت خطوط مختلف با هم متوازی هستند ولی اگر خط از جسم محدب خارج شود خطوطی که خارج می شوند و پیش می روند متوازی نیستند بلکه هرچه بیشتر پیش بروند از هم دور تر می شوند، ایشان می فرماید سر انسان دایره ای شکل و محدب است و خطوطی که از آن خارج می شوند و تکرر پیدا می کنند با هم متوازی نیستند لذا وقتی به سمت قبله بایستیم بالاخره یکی از خطوط به کعبه می خورد و همین استقبال کعبه است منتهی صاحب عروه این را قبول ندارد و با عبارتی که خواندیم از این

^۱ العروة الوثقى، سيد محمد كاظم يزدى، ج ۲، ص ۲۹۴، ط جماعة المدرسين.

مطلب جواب می دهد و محاذات و استقبال عرفی را کافی می داند.

صاحب جواهر می فرماید ما وقتی مردگان خود را در قبر می گذاریم می گوئیم "الکعبة قبلتی" و نمی گوئیم المسجد یا الحرم قبلتی پس معلوم می شود قبله همان خانه کعبه و جهت آن می باشد و بعد ایشان اخبار زیادی که به حد تواتر رسیده اند را نقل می کند که دلالت دارند بر اینکه خود کعبه قبله است نه مسجد و حرم و بعد می فرماید روایاتی که می گویند مسجد و حرم قبله است ضعیف می باشند و آقای بروجردی نیز کلام صاحب جواهر را نقل کرده و همین طور فرموده و اما وقتی ایشان برای درست کردن محاذات وارد شده قائل به خط شده و فرموده یک خطی از این محاذی برای آن ما به المحاذات خارج می شود و بعد همانطور که گفتیم اجسام را به سه قسم تقسیم کرده و بعد فرموده سر انسان دایره ای شکل و محدب است و خطوطی که از آن خارج می شوند و تکثر پیدا می کنند با هم متوازی نیستند و هر چه جلوتر بروند فاصله بیشتری نسبت به هم پیدا می کنند لذا وقتی به سمت قبله بایستیم بالاخره یکی از این خطوط به کعبه می خورد و همین استقبال کعبه است و کافی می باشد، کلام آیت الله بروجردی رحمه الله علیه را در "نهایة التقدير" مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی مطالعه فرمائید. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی

والحمد لله رب العالمین و صلی الله

علی محمد و آله الطاهیرین